

درآمدی بر شناخت اسطوره و تبیین کارکردهای هویت‌بخش آن در شعر جنگ

منوچهر لک*

E-mail: manoochehr_lak@yahoo.com

چکیده:

جنگ تحمیلی، به‌عنوان یکی از رخداد‌های عظیم تاریخ معاصر ایران، حوزه‌های متفاوت زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. ادبیات - و به‌ویژه شعر - نیز به‌عنوان یکی از حوزه‌های تفکر و اندیشه‌ی ایرانی، تحولی عمیق را شاهد بود. شاعران ایرانی، با آغاز جنگ تحمیلی، تلاش کردند، با استفاده از اسطوره‌های تاریخی ملی و دینی و طرح شخصیت‌های حماسی در شعر خود، بر نقش هویت‌سازی آن‌ها تأکید نمایند. استفاده از اسطوره‌ها در سروده‌های جنگ تحمیلی، نشان می‌دهد که ایرانیان، هنوز هم پیوندهای فرهنگی خود را با عناصر هویت‌بخش تاریخ و فرهنگ کشورشان حفظ کرده‌اند و از این نمادها و ساختارهای تاریخی، در بازیابی هویت خویش استفاده می‌کنند. این مقاله بر آن است تا پس از بازشناسی اسطوره‌های ملی و دینی، نقش هویت‌بخش آنان را در تقویت روحیه‌ی دفاع و افزایش وفات و وحدت ملی در میان ایرانیان، بررسی نماید.

کلید واژه‌ها: اسطوره، اسطوره‌ی ملی، اسطوره‌ی دینی، هویت، هویت‌بخشی، شعر، جنگ تحمیلی، دفاع

مقدمه

«اسطوره»^۱ در شعر دفاع مقدس، به عنوان عنصری بیانی و فکری به شکلی ارزنده آشکار شده است. شاعران با برداشتی حماسی از اساطیر استفاده کرده‌اند که از نظر ارزش هنری و کیفیت «کارکرد»^۲ با هم متفاوت هستند. نکته‌ی ارزنده‌ای که در برخی از آثار شعر جنگ مشهود است و در جهت بیان مفاهیم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی، شاعران را یاری می‌دهد، بهره‌وری از اسطوره‌ها و داستان‌های حماسی است که در شکل ظاهری و شکل ذهنی شاعر بازآفرینی شده‌اند. در این میان شاعرانی که توانسته‌اند اسطوره‌ها را با جوهر شعری آشتی دهنده در یک جوشش فکری و هنری آن دو را با هم درآمیزند، موفق بوده‌اند.

توجه به اسطوره‌های ملی و دینی از هنگامی که اندیشه در ذهن بشر شکل گرفته است در آثار به جای مانده دیده می‌شود. بی‌گمان شعرا و نویسندگان بیش‌تر از سایر هنرمندان به این موارد دقت داشته‌اند و از آن‌ها در آثار خود استفاده کرده‌اند.

«روی‌کرد»^۳ اسطوره‌ای در شعر دفاع مقدس در ادبیات معاصر ما جایگاه ویژه‌ای دارد. این اشعار با استفاده از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی اسطوره‌ها می‌پردازند؛ زیرا هنگامی که یک سرزمین مورد هجوم بیگانگان قرار می‌گیرد، نیاز به قهرمان‌سازی و قهرمان‌پروری در میان مردم احساس می‌شود. از این جهت شاعران با بازآفرینی اسطوره‌های تاریخی، ملی و دینی به پایداری روحیه‌ی دفاعی ملت می‌پردازند. در این مقاله ضمن بررسی واژگانی و مفهومی اسطوره، به ذکر انواع آن، کارکردهای ویژه و نقش آن در هویت‌بخشی جمعی ایرانیان خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم کرد به این پرسش‌ها پاسخ دهیم:

کاربرد اسطوره‌ها در شعر جنگ بر چه نوع مسایلی تأثیر دارد؟

کاربرد اسطوره‌ها در کدام شرایط بیش‌ترین میزان تأثیر را دارا هستند؟

جریان تأثیرگذاری اسطوره‌ها چه‌گونه صورت می‌پذیرد؟

کدام اسطوره‌ها بیش‌تر در شعر جنگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟

بر این اساس فرضیه‌ی مقاله بدین صورت بیان می‌شود: «به‌کارگیری اسطوره‌های

-
- 1- Myth
 - 2- Function
 - 3- Approach

ملی و دینی در شعر دفاع مقدس، از طریق شکل‌دهی و هدفمند کردن اندیشه و باورهای دفاعی، در ایجاد وحدت ملی میان مردم ایران و حفظ تمامیت ارضی کشور، نقشی مؤثر ایفا کرده است».

برای بررسی این فرضیه، مجموعه‌ی سروده‌های مربوط به دفاع مقدس شناسایی و از میان آن‌ها اشعاری که به‌نوعی اسطوره‌های ملی و دینی را مطرح ساخته بودند استخراج گردید و در نهایت آن‌ها که پاسخی برای پرسش‌های این مقاله محسوب می‌شدند انتخاب شده و در جهت اثبات فرضیه‌ی موردنظر نقل گردیدند.

الف) چارچوب مفهومی

اسطوره‌ها از دیدگاه‌های مختلف علوم انسانی و علوم اجتماعی مانند: ادبیات، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و مردم‌شناسی قابل تعریف هستند. از دیدگاه ادبیات، اسطوره عبارت است از داستان‌هایی که با پوشش «نمادها»^۱ و «استعاره»^۲ها، پس از هزاران سال به ما رسیده‌اند بدون آن‌که زمان رویداد یا آفرینندگان آن‌ها را بشناسیم. از دیدگاه زبان‌شناسی؛ مطابق گفته‌های لوی اشتروس، اسطوره‌ها در مجموع یک زبان را می‌سازند که واقعیت‌های جهانی را در قالب «تمثیل»^۳ها و نمادها بیان می‌کند. به نظر روان‌کاوان رؤیا، اسطوره‌ی شخصی و خصوصی خواب‌بیننده است و اسطوره، رؤیایی در بیداری تمامی آحاد یک جامعه است به قول یونگ؛ ناخودآگاه جمعی، مخزن اسطوره‌های بزرگ بشری است.

جامعه‌شناسان، اندیشه‌های اساطیری را انعکاس نظام‌های اجتماعی می‌دانند و بعضی از آن‌ها معتقدند که اسطوره، منعکس‌کننده‌ی زندگی اجتماعی، طبقاتی، شغلی و تولیدی است که در قالب مثل و نماد بیان می‌شود. در مردم‌شناسی نیز تحلیل اسطوره‌ها برای شناخت سیر تکوینی فرهنگ و تمدن جوامع انسانی صورت می‌گیرد. در این راستا میرچا الیاده، اسطوره را یک واقعیت فرهنگی به‌غایت پیچیده می‌داند (ره‌رودی، ۱۳۸۳، به نقل از سایت فارس نیوز).

بنابر اقوال فوق می‌توان اسطوره‌ها را حاصل تجربیات انسان در طول تاریخ دانست که همواره از طبیعت سرچشمه گرفته و نسل‌به‌نسل انتقال پیدا کرده است. اسطوره‌ها

-
- 1- Symbol
 - 2- Metaphor
 - 3- Allegory

همواره برای یک هدف اصلی ساخته و پرداخته می‌شوند: «ارتباط مداوم با ذات هستی و استفاده از امکانات معنوی زندگی بشری». جوزف کمبل، اسطوره‌شناس امریکایی، با آرایه‌ی چنین تعریفی، اسطوره‌ها را به نمایشنامه‌هایی تشبیه می‌کند که با استفاده از امکانات و ویژگی‌های مختلف در محیط‌های متفاوت به اجرا درمی‌آیند.

۱- کارکرد اسطوره‌ها در شعر جنگ

شعر دفاع مقدس در ذات و اصالت خود، دارای کارکردهای اسطوره‌ای است. این کارکردها به لحاظ ماهیت، ماندگار و پایدار بوده و از ویژگی‌های «فرامگانی» و «فرازمانی» برخوردارند.

منظور از این کارکردها، بیان مصادیق اسطوری است که به شعر دفاع مقدس هویت بخشیده و آن را با ارکان آفرینش اسطوره‌ای هم‌آهنگ می‌سازد.

شاعران دفاع مقدس با بهره‌مندی از این اسطوره‌ها، بن‌مایه‌های فکری و فرهنگی آیین‌های کهن اندیشه‌ی ایرانیان را بازسازی می‌کنند. به عبارت دیگر، با استفاده از اسطوره‌های تاریخی و دینی ایرانی و طرح شخصیت‌ها و قهرمانان ملی و دینی سعی دارند، غرور ایرانی را زنده کرده تا با تکیه بر ارزش‌های دینی و ملی، روح دفاع از فرهنگ و هویت ایرانی را بیدار نمایند (لک، ۱۳۸۴ ب: ۲۳۲).

در دوران جنگ تحمیلی، به‌منظور تقویت روحیه‌ی رزمندگان و آماده‌سازی آنان برای نبرد در مقابل دشمن، به قهرمان‌پروری و توصیف دلوری‌ها و شجاعت‌های آنان نیاز بود. بنابراین، شاعران با روی‌کردی تاریخی به اسطوره‌های ملی، دینی و حماسی رجوع کرده و بدین شیوه به قهرمان‌پروری پرداختند تا به کمک آن بتوانند رفتارهای قهرمانانه و شجاعانه را از رزمندگان طلب کنند. به عبارت دیگر، شخصیت‌سازی و قهرمان‌پردازی و ذکر حوادث و وقایع تاریخی، شیوه‌ای است که در شعر جنگ و دفاع مقدس، پاسخی عینی و خردمندانه به نیازهای فرهنگی جامعه است. یکی از دلایل احساس نیاز به قهرمان‌پردازی در شعر جنگ، نابرابری موجود میان نیروهای رزمنده‌ی ایرانی و مهاجمان تا بن دندان مسلح عراق بود.

در دوره‌ای که ایران از سوی مجامع بین‌المللی، با تحریم‌های شدید سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی و... مواجه بود و همه‌گونه حمایتی از دشمن بعثی به‌عمل می‌آمد، این نابرابری تسلیحاتی ایرانیان را وامی‌داشت تا به تقویت روحیه‌ی خودباوری و دینی خود پردازند و با اسطوره‌سازی و قهرمان‌پروری به این امر نایل شوند.

شعر جنگ، با استفاده از مضامین اسطوره‌ای و حماسی به متن جامعه آمد و بنا به نیاز و شرایط زمانه، نقشی مؤثر را بر عهده گرفت و با بازخوانی حوادث و جریان‌های تاریخی گذشته، از تجربیات عینی و آموخته‌های عقلانی آن استفاده کرد. به بیان دیگر، شعر جنگ با روی‌کردی اجتماعی، به بیان عوامل و زمینه‌هایی می‌پردازد که با یادکرد مفاهیمی نظیر شجاعت، رشادت، شهامت و آزادگی، خاطره‌های ازلی را در مبانی هویت ایرانی بازگو می‌کند. اسطوره‌ها، آن‌گونه که در سروده‌های جنگ تحمیلی نمود یافته‌اند، گاه مبتنی بر واقعیات تاریخی است، گاه چهره‌ی اسطوره‌های افسانه‌ای باستان را نمایان می‌سازد و گاهی نیز از مفاهیم دینی و مذهبی مدد می‌گیرد.

۲- اسطوره‌های ملی

اسطوره‌هایی هستند که مربوط به تاریخ ایران قبل از اسلام بوده و ریشه در اساطیر هند و ایرانی دارد. این اسطوره‌ها بیش‌تر بیان‌کننده‌ی الگوها و انسان‌های سرمشق و ایده‌آل‌های مجسم انسانی است. مفاهیم بیش‌تر این اسطوره‌ها، به طرح مباحثی مانند: انسان‌های آرمانی، چگونگی خلقت و آغاز جهان، علت وجودی پدیده‌های نظام هستی و... می‌پردازد.

اغلب اسطوره‌های ملی ایران قبل از اسلام، از طریق شاهنامه‌ی فردوسی به ما رسیده است. این اسطوره‌ها، ترکیبی از افسانه و واقعیت هستند.

بخشی از اسطوره‌های ملی را اسطوره‌های حماسی تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین جنبه‌ی این اسطوره‌ها طرح انسان برتر یا انسان آرمانی است. در این راه، از ویژگی‌هایی مانند خرق عادت و قهرمانی بودن استفاده می‌کنند. انسان‌های اسطوره‌های حماسی، هیچ‌گاه نمی‌توانند در چارچوب قواعد منطق ذهنی قرارگیرند و به‌نوعی ماورایی محسوب می‌شوند. از این‌رو میان حماسه و اسطوره، ارتباطی تنگاتنگ به‌وجود می‌آید. ارتباطی که موجب می‌شود تا حماسه از یک رویداد جنگی و درگیری فیزیکی انسان‌ها با یکدیگر یا با طبیعت، به موضوعی ماورایی تبدیل شده و قابلیت تفسیر و تأویل پیدا کند. این ویژگی سبب استفاده از بیان نمادین و رمزی در اسطوره‌های حماسی می‌شود. (صفایی تبار، ۱۳۸۴: ۴۷۴).

بنابراین مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت‌ها در اسطوره‌های حماسی، رویین‌تنی، جنگاوری و ارتباط با ماورا و محدود نبودن در جهان است. برخی از اسطوره‌های ملی

و حماسی که در شعر جنگ تحمیلی یاد شده‌اند عبارتند از: سیاوش، آرش کمانگیر، کاوه‌ی آهنگر، رستم، سهراب و

۳- اسطوره‌های دینی

این اسطوره‌ها، اسطوره‌هایی هستند که درباره‌ی آیین‌ها، اعمال و مناسک دینی و آیینی به وجود آمده‌اند و برای هر آیین و رسم نمونه‌ای ازلی و آسمانی تعریف می‌کنند. اسطوره‌های دینی، نمادهایی از پاکی و درستی و هم‌چنین آمیزه‌ای از حماسه‌های تاریخی و اسطوره‌ای هستند. در این بینش، قهرمانان ملی با تبدیل شدن به الگوهای دینی به اوج می‌رسند و ماندگار می‌شوند.

مهم‌ترین ویژگی اسطوره‌های دینی، مقدس بودن است. این مقدس بودن، ناشی از دل‌بستگی شدید انسان به امور قدسی و معنوی است. این اسطوره‌ها متضمن عقاید دینی هستند و مسایل و موضوعات دینی را ترویج می‌کنند. اسطوره‌های دینی به اسطوره‌های دینی قبل از اسلام و اسطوره‌های دینی اسلامی تقسیم می‌شوند. از اسطوره‌های دینی قبل از اسلام می‌توان به «اهورا مزدا» خدای پاکی و روشنی؛ «امشا سپندان» حاملان روشنی در آخر جهان اشاره کرد.

اسطوره‌های دینی مربوط به اسلام نیز، بعد از آمدن اسلام به ایران، به اسطوره‌های ملی افزوده شد. سرچشمه‌ی خدشه‌ناپذیر و آب‌شخور اساسی این اسطوره‌ها بر پایه‌های استوار و ماندگار دین مبین اسلام شکل گرفته است. قرآن کریم، اصلی‌ترین منبع و مرجع این اسطوره‌هاست.

یکی دیگر از مهم‌ترین و ارزشمندترین اسطوره‌های مذهبی ایرانیان حماسه‌ی عاشورا است. فرهنگ عاشورایی، با بخش عظیمی از فرهنگ شیعی ایرانیان پیوند خورده است. از دیگر اسطوره‌های دینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مسلم، ابوذر، عمار، منصور حلاج، نوح، ابراهیم، شیطان، فاتح خیبر و

ب) تحلیل اشعار

ادبیات ایران، یک ادبیات فرهنگ‌ساز است و بیش‌تر شاعران کلاسیک و معاصر از اسطوره‌های ایرانی با هدف تقویت فرهنگ ایرانی در میان مردم استفاده کرده و به معرفی این نمادهای اسطوره‌ای پرداخته‌اند. این اسطوره‌ها، الگوهای فرهنگی محسوب می‌شوند که در عین تقابل با واقعیت‌ها، به بهترین شکل، الگویی برای نشان‌دادن

واقعیت‌های قوم ایرانی شده‌اند و خواست‌ها، امیال و آرزوهای بلند ایرانیان را نشان می‌دهند. از سوی دیگر، شاعران با بازسازی اسطوره‌ها، به ژرف‌تر کردن واقعیات پرداخته و انسان را به بازگشت به سوی اصل و سرمنشأ هستی هدایت می‌کنند. اشعاری که در بیان خود از اسطوره‌ها استفاده می‌کنند، به دنبال کشف یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی بشر هستند و آن کشف «انسان برتر» است.

شاعران جنگ، با استفاده از اسطوره‌ها و شخصیت‌های حماسی قصد دارند احساس قدرت، دوام، پایداری و بقا را در مقابل سلطه‌ی بیگانگان بیافرینند و استقرار و ثبات خود را به رخ دشمنان بکشند. آنان در این راه از اسطوره‌ها به عنوان نماد استفاده کرده و از آن برای کشف و شهود و بازآفرینی واقعیت یاری می‌جویند.

۱- اسطوره‌های ملی

هر ملتی دارای اسطوره‌ها و حماسه‌های ملی است. این اسطوره‌ها برآمده از فرهنگ و تاریخ یک جامعه است. ایران نیز به سبب سابقه‌ی زیاد تاریخی و فرهنگی خود، دارای اسطوره‌ها و حماسه‌های ملی زیادی است. بیش‌تر این شخصیت‌های حماسی و اسطوره‌ای در شاهنامه فردوسی نقل شده‌اند و شاعران شعر جنگ نیز به بازیابی و بازسرای آن‌ها در اشعار خود پرداخته‌اند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

آرش کمانگیر، پهلوان ایرانی در عهد منوچهر شاه است که در تیراندازی سرآمد زمان خویش بوده است. در جنگ میان منوچهر شاه و افراسیاب، قرار بر این می‌شود که یک نفر از میان ایرانیان تیری را به سوی مرز توران زمین پرتاب کند و هر کجا که تیر بر زمین رسید، آن‌جا را مرز میان ایران و توران قرار دهند. آرش از طبرستان تیری پرتاب کرد که در مرو به تنه‌ی درخت گردویی تناور فرود آمد. اما در این راه جان خود را فدا کرد.

اسطوره‌ی آرش کمانگیر، اسطوره‌ای است در دفاع از مرزهای ایران و در مقابل دشمن خارجی. آرش برای دفاع از تمامیت ارضی سرزمینش، جان خود را در تیر پرتابی می‌گذارد و آن را پرواز می‌دهد.

کارکرد این اسطوره در شعر جنگ، بیش‌تر نقش ایجاد انگیزه دارد و در این راه نیز از شیوه‌های تحریک‌انگیزه و احساس استفاده می‌کند:

محمد رضا شفیعی کدکنی:

بر کرده سر از کرانه

آن سو دماوند بشکوه
 آن مشعل جاودانه
 مانند «آرش» که جان را
 در تیر هشت و رها کرد
 این لحظه‌ها بی‌قرارم،
 تا جان خود در سرودی گذارم.

(شفیعی کدکنی: ۱۳۷۸: ۳۷۰)

ایمان طرفه:

جوشید شعر سرخ خداوند در زمین
 بعد از افول دست تو، «آرش» افول کرد
 با واژه‌های لال که یاری نمی‌کنند
 لبیک‌های ناب غزل‌های آخرین
 ای افتخار سبز، «کمانگیر» برترین
 از خون ماندگار تو شرم‌منده‌ام، همین
 (طرفه، به نقل از سنگری، ۱۳۸۰: ۶۷)

تیمور گرگین:

در من همیشه یاد تو تکرار می‌شود،
 و آن‌گاه،
 همراه «آرش» ت،
 بسیار «تیر» تیز
 در ترکش نگاه گمان‌سوز یاد توست
 «آرش» همیشه تیر تو را در کمان کشد
 تا «بدسگال» را،
 بر پهنه‌ی زمین،
 از آسمان کشد،
 تا می‌زنم نفس
 با یاد مهر تو،
 مرگ تو ای عزیز، نیاید به باورم

(گرگین، به نقل از نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۲۶۸)

قهرمان دیگر اسطوره‌ای مانند رستم، سهراب، اسفندیار، سیاوش، فرامرز، فرود، بهرام، بیژن، سام، زال، گردآفرید، گودرز، گیو، کاوه‌ی آهنگر و... نیز ویژگی‌های ماورایی دارند. اسفندیار ویژگی رویین‌تنی دارد و سیاوش نماد جوان پاک ایرانی است. همه‌ی آن‌ها به نوعی انسان برتر محسوب می‌شوند. در اشعار دفاع مقدس بین این اسطوره‌های تاریخی و ملی و شخصیت رزمندگان نوعی ارتباط ایجاد می‌شود. از

ویژگی‌های این قهرمانان ملی می‌توان به: میهن‌دوستی، انسان‌دوستی، مهرورزی، عدالت‌جویی، دفاع از ستمدیدگان، امید به پیروزی زیبایی بر پلیدی و... اشاره کرد. قهرمانان اسطوره‌ای رویدادهای حماسی، معمولاً ابرمردانی نامجو هستند که برای کسب افتخار و حفظ کیان و استقلال ملت خود می‌کوشند و نبرد می‌کنند. جنگ‌های آنان نوعی نبرد میان خیر و شر یا مقابله‌ی قدرت‌های اهورایی یا اهریمنی است که به صورت جریان سیال و دایمی در بستر حوادثی داستانی و عبرت‌آموز جریان می‌یابد (رزمجو، ۱۳۷۴: ۵۳).

در شعر «سمندر سفر رنج» از یوسف‌علی میرشکاک که به مناسبت سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط رزم ناو امریکایی سروده شده است، بیش‌تر این اسطوره‌های ملی را مشاهده می‌کنیم:

دریا! دریا! صبور و سرد چرایی؟
 لختی یادآور، نیمروز نه این بود
 یادآور تاجبخش و رخس ظفرپوی
 وز پی فر و فروغ روی فرامرز
 آن‌گاه، آینه‌گزين خداوند
 تفته‌تر از تفتان، آفت دل گشتاسب
 زاده‌ی سام، آفتاب‌زاد دماوند
 دریا! راضی مشو فرنگ بریزد
 خون سیاوش و شان به دامن نیلی ت
 دریا! آه ای دل دریده‌ی سهراب!
 خون منی، نقش تازیانه‌ی بهرام!
 اشک منی بر تن افسرده‌ی بیژن
 آه خلیج فارس شکسته! تیشه‌ی فرهاد
 تا کی در بیستون، شیون شیرین
 دیدی آه ای خلیج فارس! خون نیاکان
 سیمرخ خون‌چکان چه‌گونه فرو ریخت؟
 ایرانم من خلیج فارس! مرغ گرفتار
 بالی خون حسین در شب موعود
 بال دگر، خون پرفشاری «فرودم»
 کز تب روزی که در توس نامی زندم راه
 می‌شکفد چشم‌تر، در آتش و دودم.

(میرشکاک، ۱۳۶۸: ۱۴۵)

نعمت میرزازاده:
 سیمرغ‌های سینه‌ی البرز
 از روی یال‌های دماوند
 بال گشودند پر شکوه
 تا مرزهای کشور کاوه
 این خاک گاهواره‌ی آزادی و شرف،
 آن افسر نبرد رهایی
 سر تا به پای جامه‌ی پروازی‌اش به تن
 با قامت بلند فرامرز
 با قدرت اراده‌ی سهراب
 بیزار از پلیدی کاووس
 بی‌تاب از شقاوت ضحاک
 در راه پاسداری ایران‌زمین
 گلبفت شهرهای خرم و آبادانم،
 آتش گرفته است.
 فرهاد را بگویند:
 دیگر برای دخترکم شیرین،
 قصری نمانده است!

(میرزازاده: نقل از سپانلو، ۱۳۷۸: ۴۱۰)

عبدالعلی ادیب برومند:
 از عراق آمد سپاهی سوی ایران کینه‌جوی
 گرچه سربازان تازی سوی ایران تاختند
 لیک نیروی مدافع «رستم» آسا در نبرد
 در زمین و آسمان آماده‌ی بنیان‌کنی
 سخت چون اهریمنانی، گرم تا ریتمنی
 ساخت دشمن را زیون چون پیر زال شیونی
 (ادیب برومند، ۱۳۷۱: ۱۹۱)

محمدحسین جعفریان:
 سینه پر آهیم، اما آهنیم
 ما از این بحریم، پاروها کجاست؟
 ای بسیجی‌ها زمان را باد برد!
 اینک اما، عده‌ای آتش شدند
 پهلوانانی که سهرابی شدند
 نسل یوسف‌های بی‌پیراهنیم
 این نشان! پس نوشداروها کجاست؟
 تیشه‌ها را آخرین فرهاد برد!
 بعد کوچ کوه‌ها، آرش شدند
 از پلنگانی که مهتابی شدند

عشق، یک شوخی است بی حلاج، آی
(جعفریان، به نقل از سنگری: ۱۳۸۰: ۱۲۰)

بحر مرداب است بی امواج، آی!

صابر امامی:
دوستانت را که می بینم
به یاد تو می افتم
اسفندیار حادثه!
سهراب غرق خون
اینک بخواب
که تشنج دردی بیدارت نخواهد کرد
اینک که بانوی پر صلابت مرگ
بر زخم سینهات مرهم نهاده است.

(امامی، به نقل از نجفزاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۲۲)

سلاح کاری «پیران» پیر تدبیر است
به سوگ تلخ «سیاوش» زهر تزویر است
(مردانی، به نقل از اکبری: ۱۳۷۷: ۳۰۸)

نصرالله مردانی:
ردای حیل به تن کرده باز «گرسیوز»
به روی گونه‌ی «سودابه» اشک‌های فریب

گویی شهید عشقی است، خونین کفن بر آید
خون خواه یک سیاوش، صد تهمتن بر آید
(سبزواری، به نقل از اکبری: ۱۳۷۷: ۱۳۴)

حمید سبزواری:
هر لاله‌ای که با داغ، از این چمن بر آید
پای هوس چه کوید، بر تربت شهیدان

عبدالحمید یعقوبیان:
در سرزمین ما
از سیستان باستان
تا سنگر بسیج
سری است سرمدی
فردوسی بزرگ
دیروز

رزم رستم و سهراب می سرود
 دیروز
 مرز دیگری تسخیر کرده بود
 گودرزا و گیوها با گرزها
 امروز اما ایل ما
 انبوه رستم است،
 وقتی طنبن طبل توپ جنگ می دمید
 از آن طلوع آتشین
 وقتی سلحشوران ما گفتند «یا حسین!»
 این سرزمین
 همواره بوی سیب می دهد.

(یعقوبیان، به نقل از سایت ساجد)

۲- اسطوره‌های دینی

اسطوره‌های دینی، حضوری ملموس و غیرقابل انکار در شعر دفاع مقدس داشته و جایگاه قهرمانان آن متناسب با متون دینی، مشخص می‌شود. رفتار و کردار این قهرمانان با روایات قهرمانان اسطوره‌های حماسی و ملی همانندسازی می‌شود. به عنوان مثال اسطوره‌ی «سیاوش» در ایران باستان، نماد و نمونه‌ی نخستین قربانی است و سرودن نوحه برای وی، رسمی معمول بوده است و داستان کشته‌شدن وی را با چنگ و چامه می‌سروده‌اند (بهار، ۱۳۵۲: ۱۴۳).

او در تاریخ قبل از اسلام، مظلوم‌ترین و بی‌گناه‌ترین شهید راه آزادی، صلح و دوستی است که قربانی فلسفه‌ی بشردوستانه و شرافت‌مندی خود می‌شود. به همین دلیل بعد از اسلام و رخ دادن حادثه‌ی عظیم عاشورا، این ماجرا با داستان سیاوش همانندسازی می‌شود.

خانم سیمین دانشور در کتاب سووشون خود، این ماجرا را کامل شرح داده است: «هنوز آفتاب نرزه که قربانش بروم، سرکوه، سوار بر اسب پیدا می‌شود. انگار همان‌طور سواره نماز می‌خواند. قرآن به سر می‌گذارد و به جمیع مسلمانان دعا می‌کند... بعد آن لعین از اسب پیاده می‌شود و سرش را می‌گذارد لب تشنه و...» (دانشور، ۱۳۵۳: ۵۷).

تلفیق عناصر اسطوره‌های ملی با اسطوره‌های دینی اسلامی در شعر جنگ، نشان‌دهنده‌ی اعتقاد و باور مردمان به این اساطیر است. بیش‌تر این اسطوره‌های دینی، منش زندگی اجتماعی و صفات پسندیده‌ی انسانی را ترویج می‌کنند و در حقیقت

راهنمای اخلاقی و دینی جامعه هستند. مهم‌ترین ویژگی این اساطیر، غیرزمینی بودن آن‌هاست.

زبان بیش‌تر اشعاری که از مضامین ملی در کنار مضامین مذهبی استفاده می‌کنند، زبانی باستان‌گرایانه است و از دیدگاه نظری، پیوند آن‌ها با مضامین اسلامی به‌ویژه فرهنگ عاشورایی در آنان کاملاً مشهود است. بیش‌تر این اشعار مضامین خود را از قرآن کریم اخذ کرده‌اند. به تعدادی از این اشعار اشاره می‌شود.

علی موسوی گرمارودی:

ما از تبار پاک هاییل زمانیم	امروز می‌جنگیم تا فردا بمانیم
یک روز آتش بود و نمرودی برافروخت	می‌خواست ابراهیم سوزد، خوشتن سوخت
روز دگر فرعون با موسی درآویخت	حق در هلاکش آب دریا را برانگیخت
امروز پیکار یزیدی و حسینی است	در کربلای ما، حسین ما خمینی است
شهر شهید ما، هویزه! باز برخیز	برخیز و دوشادوش ما با دشمن آویز!

(موسوی گرمارودی، به نقل از شعر جنگ، ۱۳۶۲: ۱۹۵)

محمود شاه‌رخی

توسرخوش از چه شرابی که های و هو داری	خود از کدام خم است این‌که در سبو داری
زجیب و دامت آید شمیم کوی حسین (ع)	مگر گذار بر آن خاک مشکبو داری

(شاه‌رخی، به نقل از شعر جنگ، ۱۳۶۴: ۶۴)

عبدالرضا رضایی نیا

«محاصره‌ایم

فرشته بفرستید!»

سپس

سبک شدیم

چونان هاییل

به گاه گندم

چونان مصطفی

در شب اسری

چونان علی

در سپیده‌ی فلاح

و چونان حسین

در دقیقه‌ی سرخ سماع.

(رضایی نیا، به نقل از شعر جنگ، حسینی، ۱۳۸۱: ۳۱۵)

عباسعلی مهدی:

می‌داد نسیم سحری بوی تبت را
صد مصر پر از یوسف و یعقوب ندارد
امروز به هنگام عروج تو ملایک
جسم تو همه جان شد و پیوست به جانان

از باد شنیدم خبر آمدنت را
ای گمشده‌ام، رایحه‌ی پیرهننت را
گفتند به من قصه‌ی پرپر زدنت را
دیگر ز چه گیریم سراغ بدنت را
(مهدی، به نقل از حسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۷۶)

حمید سبزواری:

وقت است تا بار سفر بر باره بندیم
گاه سفر شد باره بر دامن برانیم
وادی پر از فرعونیان و قبطیان است
تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید!

دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم
تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم
موسی جلودارست و نیل اندر میان است
فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید
ای یاوران! باید ولی را یآوری کرد
(سبزواری، همان: ۱۵۸)

مشفق کاشانی:

به چاه تیره فرو ریخت دیو استعمار
زخیل دوزخیان، مظهر ستم صدام
پی مقابله با کافران صدامی
همه به هیأت اسفندیار رویین‌تن
همه به دانش و تقوا نمونه‌ی سلمان
همه چو حمزه به نخجیر کفر، هم‌چون شیر
زخون شهیدان به خاک خوزستان
سیاوشان سیه پوش سرزدند ز خاک

که یافت بخت سلیمان، نگین و انگشتر
ز جای جست و همی بست بر نفاق کمر
سپاه کنده شد از جا به گفته‌ی رهبر
همه به صولت سهراب و سام و رستم زر
همه شجاع و سخنور به گونه‌ی بوذر
همه به عرصه‌ی پیکار، مالک اشتر
هزار چشمه به کارون گشود خون جگر
لباس ماتمیان سر به سر کشیده به بر
(مشفق کاشانی، به نقل از شعر جنگ، ۱۳۶۲: ۱۵۱)

نصرالله مردانی:

جنگ جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم
در افسانه‌ای قلعه‌ی شیطان بزرگ
راه ما راه حسین است که با تیشه خون
شیشه‌ی عمر تو ای دیو بدآیین زمان
دیگر اهریمن «من» ما نفرید دل «ما»

صف این دشمن دیوانه‌ی میهن شکنیم
چو علی فاتح خیبر شکن تن شکنیم
همه بت‌های زمین در شب روشن شکنیم
ما به سرینجه ایمان چو تهمتن شکنیم
همگی «ما» بشویم و شبح من شکنیم
(مردانی، همان: ۸۱)

امیر محمود انوار:

به عنفلی تو بگو موشکت به آتش ظلم
به دیو ماند و گوید فرشته‌خو به شرم
ندانند او که هم‌آورد رزمجویان نیست
شرار کفر به مؤمن دلان معیون زد
ز اهرمن صفتی راه دین چو مأمون زد
به داد، گردن ضحاک را فریدون زد
(انوار، همان: ۵۰)

سیدحسن حسینی:

در سنگر حق هم‌آره پیکارخوش است
آن‌جا که رسد بانگ محمد(ص) بر گوش
منصور صفت، عروج بر دار خوش است
رفتن به ره بوذر و عمار خوش است
(حسینی، به نقل از اکبری، ۱۳۷۷: ۳۰۸)

اسطوره‌های دینی قبل از اسلام، نمودار اندیشه‌ی انسان ایرانی باستان نسبت به کل هستی است. این اسطوره‌ها، مفهوم اخلاقی زندگی را از رهگذر عقاید دینی همان عصر، عرضه می‌کنند و گرایش‌های دینی انسان را نسبت به تصورات از هستی بازتاب می‌دهند و نشان از باورمندی انسان‌های نخستین به وجود روح شخصیت و شعور در اشیا و عناصر و پدیده‌های طبیعی دارند. اسطوره‌هایی مانند: اهورا، اهریمن، سیمرغ، ققنوس و... .

زکریا اخلاقی:

در باغ خون، به اشک شقایق وضو گرفت
سیمرغ قاف نور، پی آشیان فجر
آن شیردل که با هنر عشق خو گرفت
با بال آفتاب ره جست‌وجو گرفت
(اخلاقی، به نقل از شعر شهادت، ۱۳۶۷: ۸)

بهر روز سپیدنامه:

دلیری کز میان قصه‌های شرق بر می‌خاست
الا ای سندباد، ای موج بی برگشت، امیدم
چنان ققنوس در خاکستر خود آتشین افتاد
میان پنجه‌ی سیمرغ، یاسی سهمگین افتاد
(سپیدنامه، به نقل از سنگری، ۱۳۸۰ ج ۲: ۶۲)

منوچهر پروینی:

ای دستگیر رستم رزم‌آفرین، سیمرغ
این دیو سیرت، این کج‌آیین قرن دیوانه
بال و پرت پهلوزن دیوار چین، سیمرغ!
آورده بیرون ازدها از آستین، سیمرغ!
از بدسگالی، هرزگی، از تیره رای‌ها
در کار ما گسترده خوان هشتمین، سیمرغ!

ماییم و دنیایی پر از اهریمنی، نیرنگ

رمز آشنا، ما را تو راهی برگزین، سیمرغ!

اینک که روین تن شده است این خصم بدگوهر

تیری بنه بر کف مرا، تیری گزین، سیمرغ!

دریاب ما را ای همه آزادگی در بال

ای مرغ روشندل، امید آخرین سیمرغ!

(پروینی، به نقل از سایت ساجد)

جمشید عباسی:

به کد امین پنجره بیاویزم

که نگاه شهیدی را

نگریسته باشد

به کد امین کوچه

مفاخره کنم

که حمایل اهورایی

زیب درگاهش نیست

(عباسی، به نقل از سایت ساجد)

محمد علی مجاهدی:

بود اهورایی و با اهرمنی فاصله داشت

«من» نمی گفت، که با ما و منی فاصله داشت

بت شکن بود که از برهنی فاصله داشت

خط ندانست به غیر از خط ابراهیمی

(مجاهدی، به نقل از سایت ساجد)

شخصیت های عرفانی مانند: منصور حلاج و پیر چنگی و اسطوره های تاریخی مانند، شیرین و فرهاد، لیلی و مجنون و نمادهای تاریخی مانند: بیستون، دماوند و نوروز نیز در شعر دفاع مقدس حضوری ملموس دارند که هر کدام موضوعاتی را به صورتی نمادین و به شکلی برتر از زمان و مکان روایت می کنند. این نمادها، خصایل و ویژگی های ایده آل انسان را نشان می دهند.

منصوره عرب سرهنگی:

در سایه های قافیه ماندیم، یاران به آفتاب رسیدند

در این کویر خشک عطشان، مردان به آب رسیدند

مردان جبهه مست السند، مردان جبهه باده پرستند

حلاج های داریه دوشند، عباس های مشک به دستند

(عرب سرهنگی، به نقل از سایت ساجد)

پرویز بیگی حبیب‌آبادی:

«حلاج» و دار معراج، خونین‌ترین حماسه است

ای خیل نابکاران این قوم سریدار است
(حبیب‌آبادی، به نقل از اکبری، ۱۳۷۷: ۳۰۸)

سیدحسن حسینی:

تا خاک ز خون پاک رنگین نشود
تا لاله رخان بانگ اناالحق نزنند
این دشت برهنه لاله‌آذین نشود
دیباچه‌ی سرخ عشق تدوین نشود
(حسینی، همان: ۳۰۸)

منیژه درتومیان:

اسلام ای پیر چنگی، تار و تنبورت کجاست؟
دار می‌روی‌انم از دل، دار! منصورت کجاست؟
آتش از دل تا بروید، طور سنیایم بده
باده‌باده عشق ورزی، بی‌محاسبایم بده
در سماع دشنه و دل، شیون خون دیدنی است
رقص خنجر، رقص لیلا، رقص مجنون دیدنی است
شمس مولانایی من! روح ما را شانه کن
دست دل را آشنا، با باده و میخانه کن
(درتومیان، همان: ۱۰۸)

محسن حسن‌زاده لیله‌کوهی:

ما جنون کردیم تا از خاک مجنون بگذریم
نام ما در هفت شهر عشق نقش کوچه‌هاست
عشق ورزیدیم تا از هفت گردون بگذریم
باش تا از کوچه‌ی فرهاد و مجنون بگذریم
تا یکایک از میان آتش و خون بگذریم
اشک ابراهیم ما رنگ سیاوش می‌گرفت
(حسن‌زاده، به نقل از سنگری، ۱۳۸۰ ج ۲: ۵۴)

غلامرضا رحمدل:

چو با تجلی انوارحق قلم زده‌ایم
به یک کرشمه‌ی شیرین داد، چون فرهاد
بر اوج باور مستضعفین علم زده‌ایم
مسیح‌وار دمیدیم برفراز امید
هزار تیشه بر اندیشه‌ی ستم زده‌ایم
تبر به دست گرفتیم و هم‌چو ابراهیم
لهیب صاعقه بر هستی عدم زده‌ایم
به عزم دفع ستم، بر سر صنم زده‌ایم
(رحمدل، به نقل از شعر جنگ، ۱۳۶۴: ۱۱۱)

احمد عزیزی:
 در این تهاجم بی رحم
 باید چه کار کرد؟
 من مسلم
 بر گونه‌ام هزار سیلی تاریخ؛
 بر شانه‌ام
 یک بیستون ستم؛
 اندازه‌های جور
 قد غرور دماوند

(عزیزی، ۱۳۵۹: ۴۲۴)

در اسطوره نوروبز، داستان آفرینش هستی نهفته است. این اسطوره در عمق روح انسان ایرانی نهفته است و بعد از اسلام نیز با مفاهیم دینی مانند قرآن و نماز و... در هم آمیخت و مورد تأیید دین اسلام قرار گرفت:

سیدعلی موسوی گرمارودی:
 از هوا باران اخم می‌بارید
 باران زهرآگین اخم
 و عمونوروز خودمان
 که در پنج‌دری قرآن می‌خواند
 تمام پنجره‌ها را می‌بندد
 پسرکم می‌گوید:
 بابا! سال‌ها کنار تو خواهم جنگید
 و من،
 خون را از روی چشم‌های کوچکش
 پاک می‌کنم

(موسوی گرمارودی، به نقل از سایت ساجد)

نتیجه‌گیری

جهان‌بینی انسان‌ها، در ادوار مختلف تاریخ، همواره از اسطوره‌ها، نمادها، رسوم و... متأثر بوده است که فرهنگ و تمدن یک قوم را می‌سازند. اسطوره‌ها از جمله مفاهیمی هستند که در طول تاریخ در فرهنگ‌سازی انسان‌ها نقش داشته‌اند. اسطوره‌ها در طول تاریخ تغییر می‌یابند تا بتوانند به نیازهای هویتی جامعه پاسخ دهند. بنابراین، بشر همیشه و متناسب با زمان خود به اسطوره‌سازی پرداخته است.

شعر جنگ نیز بازتاب‌دهنده‌ی رویدادهای جنگ تحمیلی از نگاه هنرمندانه‌ی شاعران است. آن‌ها در اشعار خود، ویژگی تأویل‌پذیری و آرمان‌گرایی را در خدمت شعر قرارداده و وقایع جنگ را با زبانی اسطوره‌ای و نمادین بیان می‌کنند. بنابراین، روی‌کرد اسطوره‌ای در شعر دفاع مقدس، در ادبیات معاصر ما، جایگاهی ویژه دارد. این اشعار، با استفاده از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی این اسطوره‌های ملی و دینی پرداخته و سعی دارند تا راز تداوم جامعه را در توجه به این اسطوره‌ها تعریف نمایند. اسطوره‌ها و حماسه‌های ایرانی که بیش‌تر متشکل از بزرگداشت ایران در مقابل دشمنان است - مانند اسطوره‌ی آرش کمانگیر - در شعر دفاع مقدس به منبع مهم هویت‌سازی و تحکیم مبانی هویت ملی و هم‌چنین عامل هم‌گرایی و وحدت ملی تبدیل شده‌اند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین کارکردهای اسطوره در شعر دفاع مقدس، ایجاد انگیزه برای مبارزه علیه سلطه‌ی بیگانگان بر کشور بود. این عامل، هنوز هم پشتیبانی قدرتمند برای تهییج احساسات دفاعی مردم است. بنابراین، هدف از کاربرد اسطوره‌ها در شعر دفاع مقدس را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ۱- تقویت بنیادهای هم‌گرایی ملی
- ۲- برقراری ارتباط نزدیک با الگوهای تاریخی، جهت افزایش توانمندی‌های ملی
- ۳- تحریک غرور ملی و دینی، برای تحکیم بنیادهای هویت ملی و پاسداری از ارزش‌های زنده‌ی اجتماعی در ارتباط با مظاهر فرهنگی
- ۴- معرفی شاخصه‌های فرهنگی و تمدن ایران اسلامی
- ۵- ایجاد شناخت نسبت به پیشینه‌های غنی ایران و اسلام
- ۶- ایجاد انگیزه در نهادهای فرهنگی و دینی، برای تقویت آگاهی‌های اجتماعی نسبت به شاخصه‌های فرهنگ ایرانی
- ۷- ایجاد انگیزه‌های نیرومند جهت حراست از میهن

در این مقاله بیش‌تر به نقش اسطوره‌های تاریخی، دینی و ملی در هویت‌سازی شعر جنگ پرداخته‌شد و از دیگر کارکردهای زبانی آن صرف‌نظر شد. نقش این اسطوره‌ها در شکل‌دهی به باورهای دفاعی مردم ایران، به‌عنوان یک فرضیه آزموده شد و نقش کلیدی آن‌ها در این موضوع، مشخص گردید. نمونه‌های ذکرشده در این مقاله، به‌عنوان مجموعه‌ای از اساطیری که در شعر جنگ به‌کار رفته‌اند، فرضیه‌ی این مقاله را تأیید می‌کنند.

منابع:

- ۱- آموزگار، ژاله (۱۳۸۰): *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.
- ۲- احمدی، بابک (۱۳۷۵): *ساختار و تأویل متن*، ۲ جلد، تهران: نشر مرکز.
- ۳- ادیب برومند، عبدالعلی (۱۳۷۱): *پیام آزادی*، تهران: آناهیا.
- ۴- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۸۲): *چشم‌انداز اسطوره در شعر نیما یوشیج*، به نقل از سایت شورای گسترش زبان فارسی.
- ۵- اکبری، منوچهر (۱۳۷۷): *نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۶- الیاده، میرچا (۱۳۷۵): *اسطوره، رؤیا، راز*، ترجمه‌ی رؤیا منسجم، تهران: فکر روز.
- ۷- بازن، کیوان (۱۳۸۴): *تطبیق ایللیاد و اودیسه با شاهنامه، نگاهی به نقش اسطوره در ادبیات کهن*، به نقل از سایت ماندگار.
- ۸- بنیاد شهید انقلاب اسلامی (۱۳۶۷): *شعر شهادت*، تهران: اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۹- بهار، مهرداد (۱۳۵۲): *اساطیر ایران*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۰- تراویک، باستر (۱۳۷۳): *تاریخ ادبیات جهان*، ترجمه‌ی عرب علی رضایی، تهران: فرزانه.
- ۱۱- حسینی، سیدحسین (۱۳۸۱): *برگزیده شعر جنگ و دفاع مقدس*، تهران: سوره مهر.
- ۱۲- دانشور، سیمین (۱۳۵۲): *سوشون*، تهران: خوارزمی.
- ۱۳- رزمجو، حسین (۱۳۷۴): *انسان آرمانی کامل*، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- رهرودی، حمیدرضا (۱۳۸۳): *روابط فرهنگی بین‌المللی، نماد و اسطوره در روابط بین‌الملل*، فرهنگ و پژوهش، ویژه چهارمین برنامه‌ی توسعه، شماره‌ی پای‌ی ۱۴۷.
- ۱۵- سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۸): *هزار و یک شعر*، گزارش شعر نو ایران طی ۹۰ سال، تهران: نشر قطره.
- ۱۶- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰): *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*، ۳ جلد، تهران: پالیزان.
- ۱۷- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸): *هزاره دوم آهوی کوهی* (۵ دفتر شعر)، تهران: سخن.
- ۱۸- صفایی تبار، حامد (۱۳۸۴): «*تحلیل ساختاری اشعار حماسی اسطوره‌ای با نگاهی به ایللیاد*، پیکارهایی در مدار هیچ»، *روزنامه شرق*، سال دوم، ش ۴۷۴، شنبه ۸۴/۲/۲۴.
- ۱۹- عزیزی، احمد (۱۳۵۹): *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۱۳۵۹/۹/۱، ش ۴۲۴.
- ۲۰- کاسیرر، ارنست (۱۳۶۶): *زبان و اسطوره*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر نقره.
- ۲۱- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۶): *رؤیا، حماسه، اسطوره*، تهران: نشر مرکز.
- ۲۲- لک، منوچهر (۱۳۸۴) الف: *هویت ملی در شعر دفاع مقدس، فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۲۲ سال ششم، صص ۱۱۱-۱۳۲.

- ۲۳- _____ (۱۳۸۴) ب: *ایران زمین در شعر فارسی*، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- ۲۴- میرشکاک، یوسفعلی (۱۳۶۸): *ماه و کتان*، تهران: برگ.
- ۲۵- نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۷۲): *فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت*، تهران: کیهان.
- ۲۶- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۲): *شعر جنگ*، تهران: اداره کل تبلیغات و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۷- _____ (۱۳۶۴): *شعر جنگ*، تهران: اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۸- یونک، کارل گوستاو (۱۳۷۳): *انسان و سمبل‌هایش*، ترجمه‌ی ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر.
- 29- Smith, Anthony D. (1999); *Myth and Memorise of The Nation*, Oxford: Oxford University Press.
- 30- <http://www.Farsnews.com/NewsVmp.asp%3> تاریخ مراجعه ۸۴/۷/۱۰
- 31- <http://www.mandegar.info> تاریخ مراجعه ۸۴/۶/۱۵
- 32- <http://www.Persian-Languge.Org> تاریخ مراجعه ۸۴/۶/۱۲
- 33- <http://www.sajed.ir/Text/txt.aspx?> تاریخ مراجعه ۸۴/۶/۲۵

